

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ایران و کشورهای عضو پیمان بریکس: بررسی هم‌حرکتی تجاری

مسلم انصاری نسب^۱

نجمه بیدمال^۲

چکیده

باتوجه به جایگاه گروه بریکس، این پژوهش به دنبال تدوین نقشه راه تجارت ایران، با تحلیل درجه تشابه و هم‌حرکتی تجاری ایران با اعضای گروه بریکس برای دوره ۲۰۲۲-۲۰۲۳ است. نتایج نشان داد مشابهت تجاری ایران با چین و هند بالاترین نرخ را داشته است. همچنین صادرات دوطرفه ایران-هند بالاترین ثبات را داشته و شاخص ثبات تجارت دوطرفه واردات ایران-برزیل و ایران-روسیه از ثبات بالایی برخوردار بوده است. لذا اولاً، بریکس در تدوین نقشه راه تجارت ایران جایگاه ویژه‌ای دارد و دوم، نقاط ضعف و قوت تجارت با هر یک از پنج کشور گروه بریکس مستخرج از تحلیل‌های آماری این پژوهش، می‌تواند نقشه راه تجارت ایران با دیگر اعضای گروه بریکس باشد.

واژگان کلیدی:

نقشه راه تجارت، گروه بریکس، مشابهت تجاری، تجارت ایران، هم‌حرکتی تجاری.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۰۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲

^۱. دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه ولی‌عصر رفسنجان. کرمان، جمهوری اسلامی ایران.

M.Ansarinasab@vru.ac.ir

^۲. دکترای اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان. کرمان، جمهوری اسلامی ایران. Najmeh.Bydmal@yahoo.com

مقدمه

روند توسعه اقتصادی و صنعتی در دهه‌های اخیر شتاب فراوانی گرفته است و در این بین، تجارت به‌عنوان یکی از موتورهای اصلی رشد اقتصادی، اهمیت به‌سزایی در تأمین بخش عمده‌ای از نیازهای بشر داشته است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۷). جهت استفاده بیشتر از فواید اقتصادی تجارت، جهانی‌شدن نقش مهمی دارد. جهانی‌شدن عبارت است از روندی چندبعدی که وابستگی متقابل میان منطقه‌های مختلف جهان و جنبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی را به وجود می‌آورد. تعادل‌های نسبی درونی و گوناگونی‌های تمام جامعه، اعم از بسیار پیشرفته و عقب‌مانده در این روند عمیق زیرورو می‌شود (کیوان، ۱۳۷۶). فرآیندهای جهانی‌شدن در زمینه‌های تولید کالا، حمل و نقل، ارتباطات و مبادلات مالی، توسعه‌یافته و به‌صورت آشکاری بر توسعه اقتصادی تأثیر گذاشته است. کشورها، مناطق و مراکز صنعتی برای توسعه، با حداقل ثابت نگهداشتن ظرفیت‌های اقتصادی خود، در حال رقابت‌اند (نطاق، ۱۳۷۸). منطقه‌گرایی از عناصر جهانی‌شدن است. منطقه‌گرایی معمولاً به سه صورت سیستم‌های اتحاد نظامی همانند ناتو؛ اتحادیه‌های اقتصادی مثل اتحادیه اروپا؛ گروه‌بندی‌های سیاسی از قبیل اتحادیه عرب تجلی می‌یابد. از منظر اقتصاد سیاسی بین‌المللی تجارت همواره موتور محرکه اقتصاد جهانی و تولیدکننده اصلی ثروت در سطح جهان بوده است (سیلمان پور و سلیمانی درچاق، ۱۳۹۵).

بنابراین، با توجه به موارد فوق و اهمیت استراتژیک همکاری‌های بین‌المللی با اعضای گروه بریکس، مطالعه حاضر در پی بررسی مزایای همکاری تجاری با دیگر اعضای این گروه است. سؤال اصلی این پژوهش این است که برای تدوین نقشه راه تجارت ایران، درجه تشابه و هم‌حرکتی تجاری ایران با اعضای گروه بریکس چه میزان است. در این راستا در ادامه با تحلیل ادبیات این حوزه و بررسی مهم‌ترین مطالعات داخلی و خارجی حوزه مورد نظر، به محاسبه درجه تشابه و هم‌حرکتی ایران با دیگر اعضای گروه بریکس پرداخته خواهد شد که این یافته می‌تواند به تدوین نقشه راه تجارت و دستیابی به پتانسیل‌های تجاری این گروه شود.

ادبیات پژوهش. در چند دهه اخیر در سرتاسر جهان نیز، منطقه‌گرایی اقتصادی^۱ به‌طور وسیعی ایجاد شده است یکی از مهم‌ترین مزایا و عوامل این توسعه و منطقه‌گرایی، تعدد و ازدیاد توافق‌نامه‌های تجارت آزاد^۲ (FTAs) میان کشورها است. آمار و اطلاعات حاکی از آن است که تعداد این توافق‌نامه‌های تجاری در سال ۲۰۰۷ به ۳۸۰ رسیده است. اما

^۱ Economic regionalism

^۲ Free Trade Agreements

گاهی این توافق‌نامه‌ها نقش جدال‌آمیزی در توسعه یک منطقه داشته‌اند. فرون^۱ (2003) و اورنلاس^۲ (2005) بیان کردند بعضی دیگر از محققین اعتقاد دارند که توافق تجارت‌نامه توافق‌نامه‌های تجارت آزاد به‌عنوان یک ابزار مثبت در جهت حرکت ملت‌ها به‌سوی تجارت آزاد چندجانبه هستند؛ بنابراین مزایای تجاری ناشی از توافق‌نامه‌های تجارت آزاد برای تولیدکنندگانی که دارای هزینه‌های بالایی هستند باعث از بین بردن کارایی تولیدکنندگان صرفه‌جوی می‌گردد و این خود منجر به افزایش تنوع تجاری می‌گردد. از سوی دیگر منافع تجارت ناشی از FTA به ساختار اقتصادی یک کشور وابسته است (مقدسی و رحیمی، ۱۳۹۰).

یکی از گروه‌های نوظهور اقتصاد جهانی، کشورهای عضو پیمان بریکس است. کشورهای بریکس برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی هستند. واژه مخفف BRICS اولین بار توسط جیم اونیل از گلدمن ساکس در گزارشی در سال ۲۰۰۱ ابداع شد؛ لذا بیست سال از مطرح‌شدن مفهوم کشورهای بریکس می‌گذرد. در ۲۰ سال گذشته، کشورهای بریکس به رشد اقتصادی سریعی دست یافته‌اند. بر اساس آخرین آمار، جمعیت کل کشورهای بریکس تقریباً ۷۸ میلیارد است که حدوداً ۴۱.۴۲٪ از کل جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد (Fangjhy Li et al., 2021). کشورهای بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) ۲۴ درصد از اقتصاد جهان را در سال ۲۰۱۹ به خود اختصاص دادند و بیش از ۵۰ درصد به رشد اقتصادی جهان کمک کردند. افزایش حجم اقتصادی و رشد سریع اقتصادی نیز به معنای مصرف زیاد انرژی است و انتشار کربن در گروه بریکس به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. بر اساس بررسی آماری از انرژی جهانی ۲۰۱۷، چین، هند، روسیه، برزیل و آفریقای جنوبی به ترتیب در رتبه‌های اول، سوم، چهارم، هشتم و بیست و سوم در مصرف انرژی اولیه با ۳۶.۷ درصد از سهم کل قرار دارند (Yu et al., 2023).

برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی (بریکس) به برجسته‌ترین و سریع‌ترین اقتصادهای در حال توسعه تعلق دارند. اگرچه پویایی رشد آنها در کشورهای مختلف متفاوت است، آنها انرژی بیشتری مصرف می‌کنند. انرژی مهم‌ترین نقش را در توسعه و دستیابی به رشد اقتصادی پایدار هر کشور ایفا می‌کند. اهمیت انرژی در کشورهایی با منابع انرژی کمتر حیاتی‌تر است. بریکس در فهرست گروه‌هایی قرار می‌گیرد که منابع انرژی زیادی را برای تأمین نیازهای داخلی خود در زمینه‌های مسکونی، کشاورزی و صنعتی مصرف می‌کنند. هزینه‌های مالی برای واردات نفت خام بار اضافی بر اقتصاد این کشورها است (Khan and Osińska, 2021). در این

^۱. Freun

^۲. Ornelas

راستا کشور ایران با دارابودن منابع عظیم انرژی (نفت، گاز و غیره) می‌تواند شریک تجاری مطمئن و پایداری برای گروه بریکس بوده و فواید اقتصادی گسترده‌ای از تجارت با قدرتهای نوظهور اقتصادی کسب نماید. زیرا کشورهای بریکس به‌عنوان توسعه‌یافته‌ترین اقتصادها در میان بازارهای نوظهور شناخته می‌شوند. همه آنها کشورهای درحال توسعه یا تازه صنعتی شده، هستند و همگی دارای اقتصادهای بزرگ و با رشد سریع و نفوذ بالا بر تجارت منطقه‌ای و جهانی هستند. مجموعاً ۲۶.۴۶ درصد از مساحت جهان، ۴۲.۵۸ درصد از جمعیت جهان، ۱۳.۲۴ درصد از قدرت رای بانک جهانی و ۱۴.۹۱ درصد از سهام صندوق بین‌المللی پول (IMF) را دارا هستند. بر اساس برآوردهای IFM، کشورهای بریکس ۲۲.۵۳ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را در سال ۲۰۱۵ تولید کردند و بیش از ۵۰ درصد از رشد اقتصادی جهان در ۱۰ سال گذشته را به خود اختصاص داده‌اند. علاوه بر این، اهمیت این کشورها در اقتصاد جهانی و به ویژه در بازار مالی جهانی در مقالات بسیاری در چند دهه اخیر برجسته شده است (De Gaetano, 2018).

با جهانی شدن اقتصاد، معمولاً کشورهای درحال توسعه در دوره کلیدی توسعه اقتصادی باقی می‌مانند، برای حل این مشکل، کشورهای درحال توسعه برای مبارزه با فقر و بهبود ساختار و زیرساخت‌های صنعتی باید سرعت رشد اقتصادی بالایی را از خود نشان دهند. در سال‌های اخیر، مفهوم بریکس روزبه‌روز در رسانه‌های عمومی و دانشگاه‌ها محبوبیت بیشتری پیدا کرده است. کشورهای بریکس به‌عنوان یک نوع معمولی از کشورهای درحال توسعه، دارای ویژگی‌های مشترک قابل توجهی هستند، مانند جمعیت زیاد، اقتصاد توسعه‌نیافته اما رشد سریع و تمایل به استقبال از بازار جهانی (Chen and Lombaerde, 2014) در ۶۰ سال گذشته، اقتصاد کشورهای بریکس به طور فزاینده‌ای شکوفا شده است (Cassiolato and Soares, 2013). تحقیقات گلدمن ساکس (Goldman, 2003) نشان داد که در کمتر از ۴۰ سال، بریکس ممکن است نقش بیشتر و مهم‌تری در اقتصاد جهانی نسبت به G6 (ایالات متحده، ژاپن، آلمان، فرانسه، ایتالیا و بریتانیا) ایفا کند. اندازه اقتصادهای بریکس ممکن است بیش از نیمی از G6 را تا سال ۲۰۲۵ تشکیل دهد. به‌ویژه بر اساس آخرین تحقیقات (Pao and Tsai, 2013) انتظار می‌رود تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورهای بریکس از گروه G6 و همچنین هفت کشور (هفت اقتصاد توسعه‌یافته، یعنی ایالات متحده، کانادا، بریتانیا، آلمان، فرانسه، ایتالیا و ژاپن) تا سال ۲۰۵۰ بیشتر شود (Zhang et al., 2010). تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای بریکس از ۲۱۴۰.۹۸ دلار در سال ۱۹۶۰ به ۷۰۸۱.۳۲ دلار در سال ۲۰۱۸ افزایش یافته است، با متوسط نرخ رشد سالانه ۲.۱۱ درصد (liu et al., 2020).

وانی^۱ (2023) نشان داد که در چند سال گذشته، کشورهای بریکس به‌عنوان قطب تولید کالاها و خدمات، بازارهای مصرف بالقوه، قطب جریان سرمایه نسبت به کشورهای دیگر ظاهر شده‌اند. پس از بحران‌های مالی، این کشورها حتی در مجمع G-20 نقش مهمی در تدوین سیاست‌های کلان اقتصادی ایفا کردند. رادولسکو^۲ (2014) با تأکید بر اهمیت کشورهای بریکس به‌عنوان قدرت‌های اقتصادی در حال رشد، بیان کردند که بحران مالی چندان بر کشورهای بریکس تأثیری نداشته است و آنها به دلیل منابع عظیم، جمعیت و افزایش عرضه نهاده‌های تولید، به سرعت نسبت به کشورهای توسعه‌یافته بهبود یافته‌اند. کشورهای بریکس دارای زمین و منابع طبیعی عظیمی هستند، روسیه دومین کشور بزرگ جهان از نظر زمین پس از آن چین (سوم)، آفریقای جنوبی (پنجم) و هند (هفتم) هستند. روسیه دارای ذخایر عظیم نفت و گاز، حدود ۲۰ درصد از ذخایر جهان و چین دارای ۱۲ درصد از منابع معدنی جهان است. در حالی که برزیل از نظر کشاورزی و منابع طبیعی مانند قهوه، نیشکر، سویا، سنگ آهن و نفت خام غنی است، هند پایگاه تولیدی روبه‌رشدی دارد. رهبران بریکس همچنین تصمیم گرفتند بانک توسعه جدید (NDB) را برای تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی و توسعه پایدار تشکیل دهند (Singh and Dube, 2013).

کشورهای بریکس برای مدت طولانی به طور فعال در فعالیت‌های حکمرانی جهانی شرکت کرده‌اند و به تدریج یک مکانیسم همکاری نماینده برای اقتصادهای نوظهور تشکیل داده‌اند. مشخصه کشورهای بریکس توسعه اقتصادی سریع است. در سال ۲۰۱۹، تولید این گروه، ۲۳.۵ درصد از تولید کل جهان را تشکیل داد. از سوی دیگر، اگرچه سطح فناوری کشورهای بریکس در رشد اقتصادی پرسرعت بسیار بهبود یافته است، اما مشکل ناکافی بودن توانایی نوآوری، به‌ویژه در زمینه فناوری پیشرفته، ظاهر شده است. از نظر تعداد درخواست‌های ثبت اختراع، چین به‌تنهایی با افزایش ۱۶۴.۹ درصدی در سال ۲۰۱۹ نسبت به سال ۲۰۰۸، نرخ رشد سریعی را حفظ کرده است، در حالی که این شاخص در برزیل، روسیه و آفریقای جنوبی کاهش قابل توجهی داشته است. از این گروه تنها چین در رتبه-بندی ۵۰ کشور برتر بریکس در شاخص جهانی نوآوری قرار گرفته است. با این حال، در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته، هنوز جای زیادی برای پیشرفت در تعداد و مقیاس ثبت اختراع‌ها در چین وجود دارد. از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹، رتبه چین در شاخص جهانی نوآوری از ۳۷ به ۱۴ بهبود یافته است. روسیه به طور پیوسته از رتبه ۶۸ در سال ۲۰۰۹ به رتبه ۴۶

¹. Wani

². Radulescu

در سال ۲۰۱۹ رسید. به جز چین و روسیه، رتبه‌بندی شاخص نوآوری برای سایر کشورهای بریکس به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. هند از رتبه ۴۲ به ۵۲ سقوط کرد. آفریقای جنوبی از رتبه ۴۳ به ۶۳ سقوط کرد که از این میان ۲۰ رتبه کاهش بزرگ‌ترین کاهش در بین پنج کشور است. برزیل از ۵۰ به ۶۶ سقوط کرد که دومین افت بزرگ بعد از آفریقای جنوبی است. کشورهای بریکس هرچند دیر، وارد فرآیند صنعتی شدن جهانی شده‌اند اما سریعاً به اقتصادهایی با پتانسیل اقتصادی عظیم تبدیل شده‌اند. با این وجود باید توجه داشت که از آنجایی که کشورهای بریکس در مرحله تحول ساختاری هستند، مسیر رشد اقتصادی آنها به شدت به مصرف انرژی بستگی دارد (Zhang, 2021).

به جز وابستگی بالا به مصرف انرژی، کشورهای بریکس با افزایش محبوبیت در بازارهای درحال توسعه دارای ویژگی‌های مشترک قابل توجهی از جمله اقتصادهای کمتر توسعه‌یافته اما درحال رشد سریع، جمعیت درحال رشد، دولت‌های بانفوذ و تمایل به پذیرش بازارهای جهانی بوده‌اند (Wang et al., 2019). تمایل به پذیرش بازارهای جهانی با کاهش مالیات، تعرفه و کاهش تصدی دولت در اقتصاد به‌ویژه تجارت بین‌المللی منجر به افزایش درجه باز بودن اقتصادی کشورها می‌شود. همان‌طور که رحمان و اسلام^۱ (2023) بیان می‌کنند باز بودن اغلب نشان دهنده ادغام یک کشور در اقتصاد جهانی است. کشورهای بریکس سطوح مختلف باز بودن تجارت و رویکردهای متفاوتی برای مالیات و تعرفه‌های تجاری دارند. برزیل از سال ۱۹۹۵ به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمده و سیاست تجاری نسبتاً باز دارد. با این حال، این کشور به دلیل تعرفه‌های بالا و موانع غیرتعرفه‌ای مورد انتقاد قرار گرفته است که انجام تجارت در برزیل را برای شرکت‌های خارجی دشوار می‌کند (Shrestha et al., 2021). در سال‌های اخیر، دولت برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی سعی در کاهش تعرفه‌ها و ساده‌سازی نظام مالیاتی داشته است. روسیه همچنین عضو سازمان تجارت جهانی است و برای آزادسازی سیاست‌های تجاری خود تلاش کرده است (Amna Intisar et al., 2020). با این حال وابستگی کشور به منابع طبیعی مانند نفت و گاز، توسعه سایر بخش‌های اقتصاد را با مشکل مواجه کرده است. دولت روسیه همچنین به دلیل استفاده از تعرفه واردات و سایر موانع تجاری برای محافظت از صنایع داخلی مورد انتقاد قرار گرفته است (Adebayo et al., 2022). هند از دهه ۱۹۹۰ به تدریج سیاست تجاری خود را آزاد کرده است و پیشرفت قابل توجهی در کاهش تعرفه‌ها و سایر موانع تجاری داشته است (Balavac & Pugh, 2016).

^۱. Rahman & Islam

با این حال، هند همچنان از سطح نسبتاً بالایی از حفاظت برای بخش‌های خاصی مانند کشاورزی و منسوجات برخوردار است (Kawadia & Suryawanshi, 2021). علاوه بر این، سیستم مالیاتی کشور پیچیده است و به دلیل سنگین بودن برای مشاغل، مورد انتقاد قرار گرفته است. (Gnangnon, 2020) چین در سال‌های اخیر یکی از سریع‌ترین رشد‌های اقتصادهای جهان را داشته است و این کشور در آزادسازی سیاست تجاری خود پیشرفت چشمگیری داشته است. چین یکی از اعضای سازمان تجارت جهانی است و تعرفه‌ها و سایر موانع تجارت را کاهش داده است. با این حال، این کشور به دلیل استفاده از شرکت‌های دولتی و سایر حمایت‌های دولتی برای صنایع داخلی مورد انتقاد قرار گرفته است که رقابت شرکت‌های خارجی را دشوار می‌کند (Habibullah & Eng, 2006). آفریقای جنوبی نیز عضو سازمان تجارت جهانی است و سیاست تجاری نسبتاً باز دارد. اما این کشور به دلیل تعرفه‌های بالا و موانع غیرتعرفه‌ای مورد انتقاد قرار گرفته است که می‌تواند تجارت شرکت‌های خارجی در آفریقای جنوبی را با مشکل مواجه کند. علاوه بر این، سیستم مالیاتی کشور پیچیده است و به دلیل سنگین بودن مالیات برای مشاغل مورد انتقاد قرار گرفته است (Ramzan et al., 2019). کشورهای بریکس سطوح مختلفی از باز بودن تجاری و رویکردهای متفاوتی برای مالیات دارند (Gnangnon, 2021a) در حالی که هر پنج کشور عضو سازمان تجارت جهانی هستند، آنها به دلیل استفاده از تعرفه‌ها و سایر موانع تجاری برای حمایت از صنایع داخلی مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. هر پنج کشور سیستم‌های مالیاتی پیچیده‌ای دارند که به دلیل سنگین بودن برای مشاغل مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. (Bowdler & Malik, 2017) باز بودن تجارت و مالیات عوامل مهمی هستند که بر رشد و توسعه اقتصادی کشورهای بریکس تأثیر می‌گذارند. در حالی که هر پنج کشور عضو WTO هستند و در آزادسازی سیاست‌های تجاری خود پیشرفت کرده‌اند، هنوز از سطح نسبتاً بالایی از حمایت برای بخش‌های خاص برخوردار هستند (Menyah et al., 2014).

میرتربی حسینی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان "چالش بریکس با ساختار مالی جهانی زیرنفوذ آمریکا" با روش تحلیل توصیفی-تبیینی، چگونگی چالش این بلوک قدرت جدید در برابر ساختار مالی جهانی غرب محور کنونی و پیامدهای آن را مورد توجه قرار دادند. همچنین این مقاله نشان می‌دهد که گروه بریکس با محوریت چین از طریق ایجاد نهادها و رویه‌های جدید مالی چندجانبه و تلاش برای تقویت جایگاه خود در نهادهای مالی برتون وودز در مسیر تضعیف ساختار مالی جهانی تحت سیطره ایالات متحده حرکت کرده است. بررسی

ابعاد مختلف فشارهای بریکس بر ساختار مالی تحت سیطره ایالات متحده بر مبنای تحلیل داده‌های اقتصادی و مالی جهانی و بررسی پیامد این اقدامات، جزو نکات بدیع مقاله حاضر است.

رسولی نژاد و صبری (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان "ارزیابی بازار اتحادیه اقتصادی اوراسیا جهت صادرات محصولات از کشور ایران" به بررسی امکان‌پذیری گسترش صادرات کالاهای ایران به کشورهای عضو این اتحادیه با استفاده از داده‌های سالانه ۱۳۹۹-۱۳۹۴ از طریق شاخص‌های آلن، آنکتاد، پتانسیل ساده تجاری، مزیت نسبی آشکار شده و درایسدل پرداختند. نتایج آنها نشان از افزایش شدت و امکان توسعه صادرات از ایران به بازار اتحادیه اقتصادی اوراسیا را دارد.

دلاور و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله خود با عنوان "موازنه‌سازی نرم چینی و مشارکت اقتصادی در بریکس" با استفاده از روش تاریخی و رویکرد توصیفی-تحلیلی مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش برآمده‌اند که: در جهانی که ایالات متحده ابرقدرت آن بوده، رفتار راهبردی چین در ابتکاراتی چون بریکس، بر چه مبنایی استوار بوده است؟ آنها نشان دادند که چین با تأثیرپذیری از شرایط بین‌المللی پس از جنگ سرد، الگوی کلان توازن بخشی در سطوح داخلی و خارجی را پیگیری کرده است؛ از این رو، مشارکت فعال در ابتکاراتی چون بریکس، نشان‌دهنده جنبه‌ای از توازن خارجی الگوی کلان چین برای بازتوزیع قدرت از طریق موازنه نرم است.

میرتزابی و فلاح (۱۴۰۱) در مقاله خود با عنوان "چین، بریکس و تحوّل در نظم نهادی اقتصاد جهانی" با روش توصیفی - تحلیلی که از رویکردی بطور عمده کیفی استنباط می‌کند. فرضیه‌ای که در همین راستا مورد آزمون قرار گرفت، این است که چین با بهره‌گیری از سازوکار بریکس و بریکس پلاس، کوشیده است تا از راه نهادسازی و تغییر روابط خود با قدرت‌های بزرگ، نظم اقتصادی جهان را در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۰۹ در راستای منافع خود متحوّل کند. این پژوهش بر نگاه ابزاری چین به گروه بریکس و ابتکارهای مقام‌های پکن در چارچوب سازوکار بریکس تأکید دارد.

منصوری و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله خود با عنوان "تحلیل افتراق توسعه اقتصادی قدرت‌های نوظهور اقتصادی (بریکس)، با نظریه روستو" با روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و رویکرد نظری توسعه‌ای روستو نشان دادند که جدای از اندک تشابهات توسعه‌ای بریکس با الگوی توسعه‌ای روستو، تحولات سیستمی، تغییرات سطح واحد، رویکرد قدرت‌های جهانی، ضرورت تصمیم‌گیری عقلایی، منابع تهدید مشترک، منابع قدرت مشترک و قابل تجمیع و حصول منافع اقتصادی و سیاسی و بومی‌سازی ظرفیت‌های موجود ملی و بین‌المللی، مولفه‌های تأثیرگذار و وجوه افتراق توسعه‌ای بریکس با الگوهای غربی را نشان می‌دهد.

فاخری (۱۴۰۳) در مقاله خود با عنوان "تأثیر گسترش بریکس بر رویکردهای اقتصاد جهانی و تجارت بین‌المللی" به این سوال پاسخ دادند که بریکس جدید چه نقشی را در اقتصاد و تجارت جهانی ایفا می‌کند؟ نتایج آنها نشان داد ورود اعضای جدید به بریکس ابعاد جدیدی در عمق و عرض روابط تجاری سازمان ایجاد کرده و با توجه به اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک هر یک از اعضای این تشکل، امکان خلق تجارت درون گروهی و انحراف تجارت جهانی را دارا می‌باشد.

فامعیهی و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله خود به بررسی رابطه بین تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی و انتشار دی‌اکسیدکربن برای کشورهای بریکس پرداختند. آنها نشان دادند که انتشار CO₂ یک رابطه علیتی با تجارت دارد، در حالی که این اثر برای FDI و CO₂ کمتر مشخص بود. تجارت رابطه علیتی مثبت با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. همچنین نتایج نشان داد که این متغیرها در شرایط مختلف و در کشورهای مختلف متفاوت است.

فانگهی لی^۱ و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله خود با عنوان "مطالعه تجربی در مورد انتشار CO₂، توسعه مالی و رشد اقتصادی کشورهای بریکس" با استفاده از آزمون هم‌انباشتگی، نشان دادند که همبستگی واضحی بین متغیرها در چین و آفریقای جنوبی وجود دارد که نشان می‌دهد یک رابطه دوطرفه بین انتشار CO₂، توسعه مالی و رشد اقتصادی در هر دو کشور وجود دارد. همچنین با استفاده از روش رگرسیون چندک در تجزیه و تحلیل، نتایج نشان داد که در چارک ۰.۶، توسعه مالی آفریقای جنوبی تأثیر منفی بر انتشار CO₂ داشت، در حالی که انتشار CO₂ برزیل تأثیر منفی بر توسعه مالی داشت.

اکانیایکی و دیسانیاکی (۲۰۲۲) در مقاله خود با عنوان "اثرات نوسانات نرخ ارز حقیقی بر تجارت: تحلیل تجربی صادرات ایالات متحده به بریکس" بر روی ۲۰ محصول صادراتی از ایالات متحده به برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی تمرکز کردند و از داده‌های فصلی برای فصل اول ۱۹۹۳ تا فصل دوم ۲۰۲۱ استفاده کردند. بر اساس یافته‌های آنها، سطوح فعالیت اقتصادی خارجی بر صادرات اثر مثبت و نرخ واقعی ارز بر صادرات اثر منفی داشته و علاوه بر این، نوسانات نرخ ارز در بلندمدت در هر پنج کشور تأثیر منفی بر صادرات داشته است.

کوکوئید^۲ و همکاران (۲۰۲۳) در مقاله خود با عنوان "چشم‌انداز تسلط پول واحد بریکس در تجارت بین‌المللی" با استفاده از پایگاه داده سازمان ملل متحد و ارائه چارچوب شبکه تجارت جهانی مرتبط با ۱۹۴ کشور سازمان ملل متحد در طول دهه ۲۰۲۰ - ۲۰۱۰، با یک مدل ریاضی، سه ارز دلار آمریکا، یورو و یک ارز فرضی بریکس را مطالعه کردند. نتایج به‌دست‌آمده از

¹. Fangjhy Li

². Coquidé

مدل‌سازی ریاضی ساختار شبکه تجارت جهانی نشان می‌دهد که حدود ۵۸ درصد از کشورها ترجیح می‌دادند با ارز بریکس، ۲۳ درصد با یورو و ۱۹ درصد با دلار آمریکا تجارت کنند. نتایج همچنین چشم‌انداز مساعدی برای تسلط ارز بریکس در تجارت بین‌الملل را نشان می‌دهد. عبدالآل و همکاران (۲۰۲۵) در مقاله‌ای با عنوان "عوامل تعیین‌کننده تجارت دوجانبه بین مصر و کشورهای عضو بریکس" همبستگی معکوسی را بین حجم تجارت و چندین عامل از جمله اندازه جمعیت، ارزش افزوده صنعت، تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای بریکس، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص مصر و فاصله جغرافیایی نشان دادند. در مقابل، همبستگی‌های مثبتی با تولید ناخالص داخلی سرانه مصر، ارزش افزوده صنعت، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بریکس، رشد تولید ناخالص داخلی و گسترش کلی تولید ناخالص داخلی جهانی وجود دارد. رشید و همکاران (۲۰۲۵) در مقاله‌ای با عنوان "ارزیابی تأثیر فناوری اطلاعات، جهانی شدن تجارت و پیچیدگی اقتصادی بر انتشار کربن در اقتصادهای بریکس" با استفاده از داده‌های تابلویی از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۸، تأثیر فناوری اطلاعات، جهانی شدن تجارت (TG) و پیچیدگی اقتصادی (EC) را بر انتشار CO₂ در کشورهای عضو بریکس بررسی کردند. یافته‌های آنها نشان داد که توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و فناوری‌ها و تجارت سبز می‌تواند توسعه پایدار را در اقتصادهای بریکس ارتقا دهد.

روش‌شناسی. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد هدف این پژوهش بررسی همگرایی تجاری ایران با الحاق به گروه بریکس است. در این راستا از سه شاخص مشابهت تجاری، شاخص ثبات تجاری و شاخص هم‌حرکتی تجاری کمک گرفته خواهد شد؛ لذا در ادامه به معرفی اجمالی این سه شاخص پرداخته خواهد شد.

شاخص اول، شاخص مشابهت تجاری است. برای تعیین میزان مشابهت تجاری از شاخص گروبل-لوید^۱ استفاده می‌شود. این شاخص برای تعیین سهم تجارت برون صنعت و درون صنعت بکار می‌رود تا مشخص کند تجارت بین دو کشور به چه صورتی است. تجارت درون صنعت از سال ۱۹۶۶ توسط بالاسا^۲ شروع و توسط گروبل و لوید (۱۹۷۲) دنبال شد. شاخص گروبل-لوید به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$GLI_{it} = 1 - \frac{|X_{it} - M_{it}|}{(X_{it} + M_{it})} = \frac{X_{it} + M_{it} - |X_{it} - M_{it}|}{(X_{it} + M_{it})} \quad (1)$$

^۱. Grubel and Lloyd

^۲. Balassa

که M_{it} واردت صنعت t ام در سال t ام و X_{it} صادرات صنعت t ام در سال t ام است. تجارت درون صنعت ارزش کل تجارت $(X_{it} + M_{it})$ ، بعد از کسر خالص صادرات و واردات $|X_{it} - M_{it}|$ یک صنعت است که در بیشتر موارد برای راحتی آن را به صورت درصد بیان می‌کنند (ملکوئی و زمانی، ۱۴۰۰).

شاخص دوم، شاخص ثبات تجاری است. برای محاسبه شاخص ثبات تجاری از شاخص پراکندگی نسبی استفاده شده است که یک شاخص استاندارد شده برای سنجش میزان پراکندگی یک توزیع احتمال است. شاخص پراکندگی به صورت کسر واریانس بر میانگین تعریف می‌شود:

$$CV = \frac{\text{انحراف استاندارد}}{\text{میانگین}} \quad (۲)$$

شاخص‌های پراکندگی، میزان پراکندگی (تغییرات) مقادیر هر متغیر را در اطراف میانگین نشان می‌دهند.

شاخص پراکندگی فقط برای توزیع‌هایی تعریف شده است که میانگین غیرصفر داشته باشند و معمولاً برای متغیرهایی که همیشه مثبت هستند، مانند متغیر تصادفی نمایی، استفاده می‌شود.

$$CV = \frac{S}{\mu} \quad (۳)$$

به عبارت بهتر شاخص پراکندگی نسبی را این‌چنین نیز می‌توان نشان داد:

$$CV = \frac{\sum_{i=1}^n (X_i - \bar{X})^2 / n}{\bar{X}} \simeq \frac{S}{\mu} \quad (۴)$$

در نتیجه ضریب تغییرات جذر، میانگین مربعات خطای نسبی مشاهدات برای میانگین‌شان خواهد بود. از طرفی مشخص است که خطای نسبی، به واحد اندازه‌گیری مقادیر وابسته نیست. به همین دلیل هم ضریب تغییرات به صورت درصدی و بدون حساسیت نسبت به واحد اندازه‌گیری است.

شاخص سوم، شاخص هم‌حرکتی تجاری است. در شاخص شدت هم‌حرکتی، ضریب مثبت نشان دهنده رابطه هم‌حرکتی هم جهت و ضریب منفی حاکی از رابطه حرکت خلاف جهت دو متغیر خواهد بود. شاخص شدت هم‌حرکتی از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$\rho_{xy} = \frac{C_{xy}}{\sqrt{C_{xx} \times C_{yy}}} \quad (5)$$

که در آن C_{xx} نشان‌دهنده واریانس متغیر و C_{xy} معرف کوواریانس دو متغیر است و مقدار بحرانی ضریب در سطح پنج درصد توسط رابطه $\frac{1/96}{\sqrt{T}}$ محاسبه می‌شود.

یافته‌های تجربی

مشابهت تجاری یکی از شاخص‌های مهم جهت الحاق به گروه‌های تجاری چون پیمان بریکس است. مشابهت تجاری بالا، امکان استفاده از ظرفیت تجاری اعضای گروه تجاری را برای عضو جدید مهیا می‌سازد. از این رو در ادامه مشابهت تجاری اقتصاد ایران با پنج عضو اصلی گروه بریکس (چین، روسیه، هند، برزیل، آفریقای جنوبی) بررسی خواهد شد. تمامی داده‌ها از سازمان تجارت جهانی استخراج شده است.

نتایج برآورد شاخص گروبل-لوید برای محاسبه مشابهت تجاری اقتصاد ایران با پنج عضو اصلی گروه بریکس (چین، روسیه، هند، برزیل، آفریقای جنوبی) در جدول زیر برای دوره ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۲ برآورد و نشان داده شده است:

جدول شماره ۱. نتایج شاخص گروبل-لوید برای محاسبه مشابهت تجاری ایران با اعضای بریکس

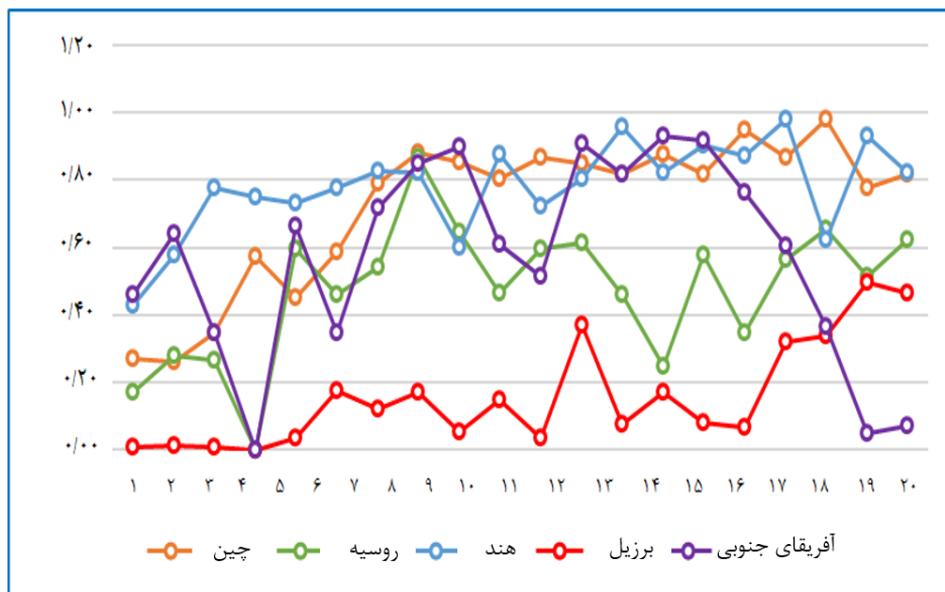
سال	ایران-چین	ایران-روسیه	ایران-هند	ایران-برزیل	ایران-آفریقای جنوبی
۲۰۰۳	۰/۲۷۰۸	۰/۱۷۰۹	۰/۴۲۷۷	۰/۰۰۸۰	۰/۴۶۰۹
۲۰۰۴	۰/۲۶۳۸	۰/۲۸۰۹	۰/۵۷۹۳	۰/۰۱۰۸	۰/۶۴۲۲
۲۰۰۵	۰/۳۴۶۱	۰/۲۶۷۸	۰/۷۷۶۱	۰/۰۰۷۰	۰/۳۴۵۵
۲۰۰۶	۰/۵۷۵۵	۰/۰۰۰۲	۰/۷۴۹۷	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۳۱
۲۰۰۷	۰/۴۵۳۰	۰/۵۹۶۹	۰/۷۲۹۹	۰/۰۳۵۶	۰/۶۶۲۷
۲۰۰۸	۰/۵۸۶۴	۰/۴۵۸۳	۰/۷۷۸۶	۰/۱۷۵۹	۰/۳۴۶۸
۲۰۰۹	۰/۷۸۸۶	۰/۵۴۱۳	۰/۸۲۷۳	۰/۱۲۲۶	۰/۷۱۶۳
۲۰۱۰	۰/۸۸۲۵	۰/۸۶۶۰	۰/۸۲۱۸	۰/۱۶۹۲	۰/۸۵۰۸
۲۰۱۱	۰/۸۵۵۴	۰/۶۴۷۹	۰/۶۰۰۰	۰/۰۵۶۰	۰/۸۹۷۲
۲۰۱۲	۰/۸۰۵۵	۰/۴۶۷۲	۰/۸۷۶۵	۰/۱۴۶۸	۰/۶۰۹۲
۲۰۱۳	۰/۸۶۵۷	۰/۵۹۶۹	۰/۷۲۳۶	۰/۰۳۵۶	۰/۵۱۵۶
۲۰۱۴	۰/۸۴۹۴	۰/۶۱۲۳	۰/۸۰۲۲	۰/۳۷۰۵	۰/۹۱۰۱
۲۰۱۵	۰/۸۱۶۸	۰/۴۶۱۹	۰/۹۵۷۷	۰/۰۷۴۶	۰/۸۱۸۵
۲۰۱۶	۰/۸۷۸۰	۰/۲۴۸۴	۰/۸۲۳۸	۰/۱۶۹۵	۰/۹۲۹۷
۲۰۱۷	۰/۸۱۷۴	۰/۵۷۷۰	۰/۹۰۳۷	۰/۰۸۰۹	۰/۹۱۷۰
۲۰۱۸	۰/۹۴۷۰	۰/۳۴۵۶	۰/۸۷۰۶	۰/۰۶۸۳	۰/۷۶۲۳
۲۰۱۹	۰/۸۶۹۲	۰/۵۶۵۳	۰/۹۸۱۵	۰/۳۱۹۳	۰/۶۰۵۲
۲۰۲۰	۰/۹۸۲۰	۰/۶۵۴۴	۰/۶۲۳۵	۰/۳۳۸۸	۰/۳۶۳۷
۲۰۲۱	۰/۷۷۷۶	۰/۵۱۶۲	۰/۹۳۱۰	۰/۴۹۵۹	۰/۰۴۹۴
۲۰۲۲	۰/۸۱۹۳	۰/۶۲۴۰	۰/۸۲۴۲	۰/۴۶۷۲	۰/۰۷۰۱

منبع: یافته‌های پژوهشگران

همان‌طور که در جدول فوق مشخص است در سال ۲۰۲۲ شاخص مشابهت تجاری ایران با چین و هند بالاترین نرخ را داشته و پس از آن نرخ مشابهت ایران با روسیه، سپس برزیل و در آخر آفریقای جنوبی کمترین نرخ مشابهت تجاری را دارا بودند.

مسیر شاخص مشابهت تجاری ایران و پنج عضو اصلی گروه بریکس در سه دهه اخیر نوسانات زیادی داشته است. نمودار زیر نوسانات و تغییرات شاخص مشابهت تجاری ایران و پنج عضو اصلی گروه بریکس را به خوبی نشان می‌دهد:

نمودار شماره ۱. مسیر شاخص مشابهت تجاری ایران و کشورهای عضو بریکس



منبع: یافته‌های پژوهشگران

همان‌طور که نمودار مسیر شاخص مشابهت ایران و کشورهای عضو بریکس نشان می‌دهد، این نرخ برای دو کشور چین و هند همواره بالا بوده است. با توجه به پیش‌بینی‌های جهانی از رشد اقتصادی این دو غول اقتصادی دنیا، اقتصاد ایران می‌تواند تمرکز فراوانی بر این دو کشور برای آینده بلندمدت داشته و از ظرفیت تجاری آنها استفاده نموده و با برنامه‌ریزی‌های مدون، جزو شرکای اصلی این دو اقتصاد برتر دنیا قرار گیرد.

نرخ مشابهت تجاری ایران و روسیه نیز حاکی از آن است که این دو می‌توانند شرکای تجاری مناسبی برای یکدیگر باشند و الحاق ایران به گروه بریکس می‌تواند این همکاری را تسهیل بخشد. نرخ مشابهت تجاری ایران - برزیل در سال‌های اخیر مسیری صعودی داشته که ظهور یک شریک تجاری مناسب برای اقتصاد ایران را نوید می‌دهد؛ اما از سوی دیگر نرخ مشابهت تجاری ایران - آفریقای جنوبی روبه‌کاهش بوده و این نرخ از سال ۲۰۱۵ به‌طور مرتب کاهش و روبه‌افول بوده که تلاش مضاعف برنامه‌ریزان اقتصادی ایران را برای گسترش این مناسبات اقتصادی، می‌طلبد.

یکی دیگر از شاخص‌های بسیار مهم تجاری برای سنجش نحوه تعامل تجارت ایران با اعضای گروه بریکس، شاخص ثبات تجارت دوطرفه است.

نتایج برآورد شاخص ثبات تجارت دوطرفه اقتصاد ایران با پنج عضو اصلی گروه بریکس (چین، روسیه، هند، برزیل، آفریقای جنوبی) در جدول زیر آورده شده است:

جدول شماره ۲. نتایج شاخص ثبات تجارت دوطرفه اقتصاد ایران با اعضای گروه بریکس

متغیر	شاخص	ایران - چین	ایران - روسیه	ایران - هند	ایران - برزیل	ایران - آفریقا
	انحراف معیار	۶۲۴۷۷۷۲/۷۰	۱۵۲۱۱۶/۰۹	۹۳۶۹۷۶/۷۱	۵۰۰۳۷/۷۶	۸۸۱۴۰/۰۴
صادرات	میانگین	۷۰۶۵۵۶۰/۵۵	۳۳۵۳۹۸/۳۵	۱۷۹۹۶۱۹/۲۵	۵۱۲۳۹/۲۰	۶۴۵۷۷/۷۰
	شاخص ثبات تجارت	۰/۸۸۴۳	۰/۴۳۵۳	۰/۵۲۰۷	۰/۹۷۶۶	۱/۳۶۴۹
	انحراف معیار	۴۲۸۵۸۰/۱۶۶	۴۲۹۴۲۰/۰۲	۹۵۰۷۵۱/۸۱	۲۴۹۴۷۱/۵۱	۲۸۳۱۸/۰۶
واردات	میانگین	۷۹۸۲۶۴۸/۵۰	۹۸۳۳۴۸/۸۰	۲۰۷۵۴۵۱/۰۰	۵۸۷۲۵۷/۴۰	۴۱۱۸۳/۶۰
	شاخص ثبات تجارت	۰/۵۳۶۹	۰/۴۳۶۷	۰/۴۵۸۱	۰/۴۲۴۸	۰/۶۸۷۶

منبع: یافته‌های پژوهشگران

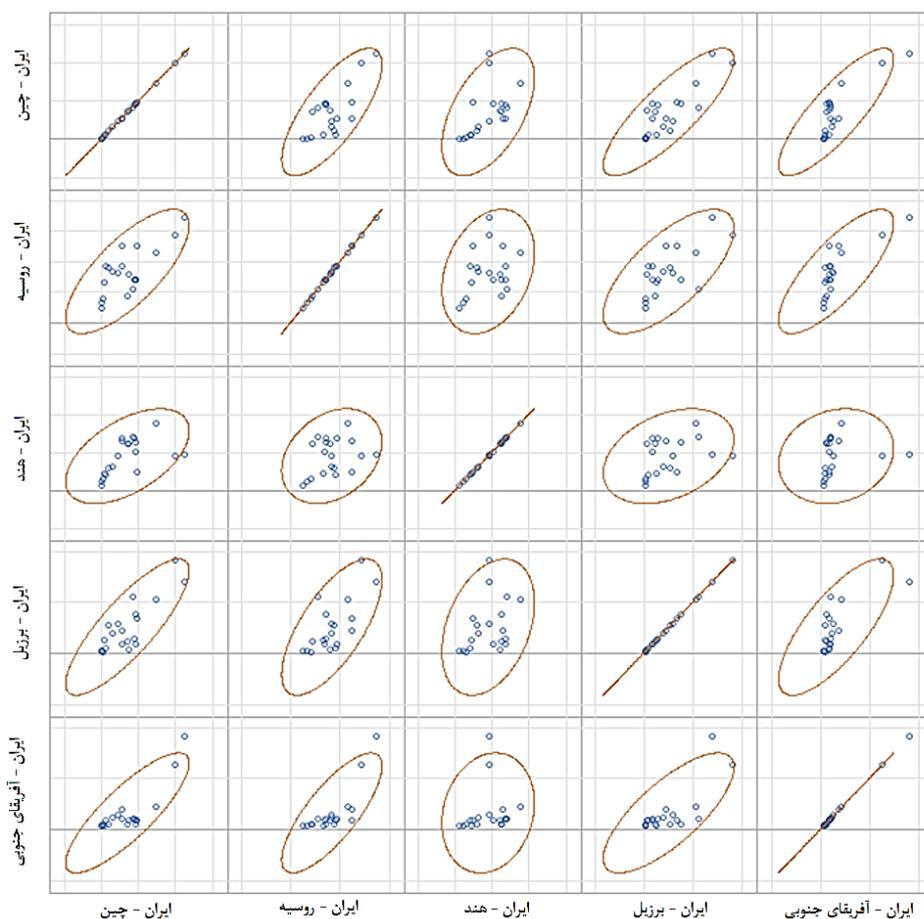
نتایج شاخص ثبات صادرات دوطرفه اقتصاد ایران حاکی از آن است که صادرات ایران - هند و ایران - روسیه از ثبات بالایی در سه دهه اخیر برخوردار بوده است. پس از آن صادرات ایران - چین و ایران - برزیل و در انتها صادرات ایران - آفریقای جنوبی قرار دارد. همچنین نتایج شاخص ثبات تجارت دوطرفه واردات ایران حاکی از آن است که واردات ایران - برزیل، ایران - روسیه، ایران - هند، ایران - چین و ایران - آفریقای جنوبی به ترتیب از ثبات بالایی در سه دهه اخیر برخوردار بوده‌اند.

لذا نتایج شاخص ثبات تجارت دوطرفه اقتصاد ایران با پنج عضو اصلی گروه بریکس نشانگر آن است که به جز تجارت ایران با آفریقای جنوبی، رابطه تجاری ایران و چهار عضو دیگر از ثبات بالایی برخوردار بوده و این چهار رابطه تجاری استحکام بالایی را دارا هستند که این می‌تواند مزایای اقتصادی فراوانی را با پیوستن ایران به گروه بریکس برای اقتصاد ایران به دنبال داشته باشد.

برای الحاق ایران به گروه بریکس، هم‌حرکتی مسیر تجاری ایران و اعضای بریکس از اهمیت فوق‌العاده بالایی برخوردار است. برای محاسبه این مؤلفه از شاخص شدت هم‌حرکتی کمک گرفته شده است.

نمودار زیر نتایج حاصل از برآورد شاخص هم‌حرکتی ایران با هر کدام از پنج عضو اصلی گروه بریکس را در مقابل یکدیگر نشان می‌دهد:

نمودار شماره ۲. نتایج شاخص ثبات تجارت دوطرفه اقتصاد ایران با اعضای گروه بریکس



منبع: یافته‌های پژوهشگران

نتایج شاخص هم‌حرکتی ایران با هر کدام از پنج عضو اصلی گروه بریکس در مقابل یکدیگر در نمودار فوق حاکی از آن است که برخی روابط متقابل دارای هم‌حرکتی بالا و برخی روابط متقابل دارای هم‌حرکتی پایین هستند برای تفکیک و تحلیل بهتر، نتایج آماری این روابط در جدول زیر آورده شده است.

شماره ۳. شاخص هم‌حرکتی تجاری اقتصاد ایران با اعضای گروه بریکس جدول

		ایران - چین	ایران - روسیه	ایران - هند	ایران - برزیل	ایران - آفریقا
ایران - چین	شاخص هم‌حرکتی	۱/۰۰۰	۰/۷۴۴۲	۰/۵۳۵۲	۰/۸۳۱۹	۰/۸۳۲۷
	آماره t	-----	۴/۷۲۷۱	۲/۶۸۸۱	۶/۳۵۹۲	۶/۳۸۰۲
	احتمال	-----	۰/۰۰۰۲	۰/۰۱۵۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
ایران - روسیه	شاخص هم‌حرکتی	۰/۷۴۴۲	۱/۰۰۰	۰/۲۹۷۸	۰/۶۹۴۶	۰/۷۸۳۰
	آماره t	۴/۷۲۷۱	-----	۱/۳۲۳۷	۴/۰۹۶۶	۵/۳۳۹۹
	احتمال	۰/۰۰۰۲	-----	۰/۲۰۲۲	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۰۰
ایران - هند	شاخص هم‌حرکتی	۰/۵۳۵۲	۰/۲۹۷۸	۱/۰۰۰	۰/۳۵۴۳	۰/۱۶۳۳
	آماره t	۲/۶۸۸۱	۱/۳۲۳۷	-----	۱/۶۰۷۶	۰/۷۰۲۲
	احتمال	۰/۰۱۵۰	۰/۲۰۲۲	-----	۰/۱۲۵۳	۰/۴۹۱۵
ایران - برزیل	شاخص هم‌حرکتی	۰/۸۳۱۹	۰/۶۹۴۶	۰/۳۵۴۳	۱/۰۰۰	۰/۷۶۰۵
	آماره t	۶/۳۵۹۲	۴/۰۹۶۶	۱/۶۰۷۶	-----	۴/۹۶۹۳
	احتمال	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۷	۰/۱۲۵۳	-----	۰/۰۰۰۱
ایران - آفریقای جنوبی	شاخص هم‌حرکتی	۰/۸۳۲۷	۰/۷۸۳۰	۰/۱۶۳۳	۰/۷۶۰۵	۱/۰۰۰
	آماره t	۶/۳۸۰۲	۵/۳۳۹۹	۰/۷۰۲۲	۴/۹۶۹۳	-----
	احتمال	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۹۱۵	۰/۰۰۰۱	-----

منبع: یافته‌های پژوهشگران

کاملاً مشخص است که دسته اول قابل بحث نیست. دسته دوم شامل پنج رابطه می‌شود که در همه آنها یک‌سوی آن یا چین و یا آفریقای جنوبی هستند و همان‌طور که مشخص است بیشترین هم‌حرکتی میان تجارت ایران - چین با ایران - آفریقای جنوبی (۰/۸۳۲۷) وجود دارد. در دسته سوم دو رابطه ایران - چین با ایران - هند (۰/۵۳۵۲) و همچنین ایران - روسیه با ایران - برزیل (۰/۶۹۴۶) قرار دارد. اما نکته مهم درباره ارتباط تجاری ایران - هند است که هم کمترین شاخص هم‌حرکتی را دارا است و هم سه رابطه آن کاملاً غیرمعنادار هستند.

بنابراین، از نتایج شاخص هم‌حرکتی به‌خوبی می‌توان دریافت که با عضویت ایران در گروه بریکس و رشد تجارت ایران با کشور چین، تجارت ایران با کشورهای دیگر نیز همسو با آن قابل‌گسترش خواهد بود. اما برای گسترش و تقویت رابطه تجاری ایران با کشور هند نیاز به تقویت بیشتر مناسبات اقتصادی - سیاسی است و ارتباط تجاری ایران با هند چندان متأثر از دیگر کشورهای گروه بریکس نبوده و نیازمند برنامه‌ریزی جداگانه است.

نتیجه‌گیری

کشورهای بریکس به‌عنوان توسعه‌یافته‌ترین اقتصادها در میان بازارهای نوظهور شناخته می‌شوند. همه آنها کشورهای در حال توسعه یا تازه صنعتی شده، هستند و همگی دارای اقتصادهای بزرگ و با رشد سریع و نفوذ بالا بر تجارت منطقه‌ای و جهانی هستند. از این‌رو فرصت بی‌نظیری جهت الحاق ایران به گروه بریکس و استفاده از ظرفیت‌های بالای تجاری این گروه در پیش روی اقتصاد ایران قرار دارد. در این مقاله ابتدا شاخص مشابهت تجاری ایران با اعضای گروه بریکس مطالعه شد که نتایج نشان داد مشابهت تجاری ایران با چین و هند بالاترین نرخ را داشته و پس از آن نرخ مشابهت ایران با روسیه، سپس برزیل و در آخر آفریقای جنوبی کمترین نرخ مشابهت تجاری را دارا بودند. همچنین نتایج شاخص ثبات صادرات دوطرفه اقتصاد ایران با گروه بریکس حاکی از آن است که صادرات ایران - هند و ایران - روسیه از ثبات بالایی در سه دهه اخیر برخوردار بوده است. پس از آن صادرات ایران - چین و ایران - برزیل در انتها صادرات ایران - آفریقای جنوبی قرار دارد. همچنین نتایج شاخص ثبات تجارت دوطرفه واردات ایران حاکی از آن است که واردات ایران - برزیل، ایران - روسیه، ایران - هند، چین و ایران - آفریقای جنوبی به ترتیب از ثبات بالایی در سه دهه اخیر برخوردار بوده‌اند. از سوی دیگر، نتایج شاخص هم‌حرکتی به‌خوبی می‌توان دریافت که با عضویت ایران در گروه بریکس و رشد تجارت ایران با کشور چین، تجارت ایران با کشورهای دیگر نیز همسو با آن قابل‌گسترش خواهد بود. اما پیشنهاد می‌شود برای گسترش و تقویت رابطه تجاری ایران با کشور هند نیاز به تقویت بیشتر مناسبات اقتصادی - سیاسی است.

در مجموع نتایج مشابهت، ثبات و هم‌حرکتی تجاری ایران با کشورهای بریکس حاکی از آن است که الحاق ایران می‌تواند دستاوردهای تجاری فراوانی برای اقتصاد ایران داشته باشد؛ نقاط ضعف و قوت تجارت با هر یک از پنج کشور گروه بریکس مستخرج از تحلیل‌های آماری این مقاله، می‌تواند نقشه راه تجارت ایران با اعضای گروه بریکس باشد.

طی بررسی آماری این مطالعه محدودیت‌های متعددی مشاهده شد. مطالعات اندکی درباره روابط اقتصادی ایران و دیگر اعضای بریکس صورت گرفته بود که غالباً هم بررسی‌ها کیفی و نه کمی بوده است. محدودیت دیگر بسیاری از داده‌های جزئی‌تر از آمار تجاری برای کدهای سه و چهاررقمی برای تحلیل دقیق‌تر تجارت ایران و دیگر اعضای بریکس وجود نداشت. محدودیت بعدی عدم وجود داده‌های بلندمدت کامل برای بررسی‌های سری زمانی وجود نداشته است.

منابع و مأخذ

فارسی

- مقدسی رضا، رحیمی رضا. (۱۳۹۰). تأثیر توافق‌نامه‌های تجارت آزاد بر تجارت دوجانبه کشاورزی در کشورهای اکو. *فصلنامه اقتصاد مالی*، دوره ۵، شماره ۱۷، ۹-۲۱.
- سلیمان پورهادی، و سلیمانی درچاق مریم. (۱۳۹۳). *همگرایی اقتصادی در اوراسیای مرکزی در تطبیق با الگوی کانتری و اشیگل*. ۶۹-۹۸.
- کیوان، وحید، جهانی‌شدن جدید سرمایه‌داری و جهان سوم، تهران، توسعه، ۱۳۷۶.
- نطاق، سیامک، توسعه منابع انسانی در خدمات عمومی در راستای تعدیل و اصلاحات ساختاری، تهران، فرهنگ و قلم، ۱۳۷۸.
- میر ترابی حسینی، سید سعید، موسوی، سید محمدهادی، قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و مدرس، محمدولی. (۱۳۹۸). چالش بریکس با ساختار مالی جهانی زیرنفوذ آمریکا. *پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل*، ۸(۱)، ۱۶۸-۱۴۱.
- میرترابی، سعید و مهرداد فلاح. (۱۴۰۱). چین، بریکس و تحوّل در نظم نهادی اقتصاد جهانی. *مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل*، ۵(۲)، ۴۱۵-۴۴۶.
- دلاور، حسین، اسلامی، محسن، موسوی شفقائی، سید مسعود. (۱۴۰۱). موازنه‌سازی نرم چینی و مشارکت اقتصادی در بریکس. *پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل*، ۱۱(۱)، ۱۶۷-۱۴۳.
- ملکوتی، امیر، زمانی، زهرا، اربابیان، شیرین. (۱۴۰۰). تعیین‌کننده‌های تجارت دوجانبه ایران و چین. *پژوهشنامه بازرگانی*، ۲۵(۹۸)، ۲۱۵-۲۴۶.
- منصوری، میلاد، ترابی، محمد و حیدرپور، ماشالله. (۱۴۰۱). تحلیل افتراق توسعه اقتصادی قدرت‌های نوظهور اقتصادی (بریکس)، با نظریه روستو. *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۳۳(۹)، ۸-۲۶.
- رسولی نژاد، احسان و صبری، پریسا. (۱۴۰۱). ارزیابی بازار اتحادیه اقتصادی اوراسیا جهت صادرات محصولات از کشور ایران. *بررسی‌های بازرگانی*، ۲۰(۱۱۴)، ۴۵-۶۲.
- فاخری، مهدی. (۱۴۰۳). تأثیر گسترش بریکس بر روی‌کردهای اقتصاد جهانی و تجارت بین‌المللی. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۳۸(۲)، ۱۷۷-۲۰۰.

لاتین

- Rahman, M. M., & Islam, M. E. (2023). Does Trade Openness Affect Taxation? Evidence from BRICS Countries. **Millennial Asia**, 09763996231199310.
- Shrestha S., Kotani K., & Kakinaka M. (2021). The relationship between trade openness and government resource revenue in resource-dependent countries. **Resources Policy**, 74, 102332.
- Bowdler C., & Malik A. (2017). Openness and inflation volatility: Panel data evidence. **The North American Journal of Economics and Finance**, 41, 57–69.
- Abd El-Aal, M. F., Shrahili, M., Kayid, M., & Balogun, O. S. (2025). Determinants of bilateral trade between Egypt and BRICS: Gravity model with traditional econometrics and machine learning algorithms. **Journal of Radiation Research and Applied Sciences**, 18(2), 101342.
- Gnangnon S. K. (2021a). Export product diversification, poverty and tax revenue in developing countries. **The Journal of International Trade & Economic Development**, 30(7), 957–987.
- Gnangnon S. K. (2020). Export product diversification and tax performance quality in developing countries. **International Economics and Economic Policy**, 17(4), 849–876.
- Rasheed, T., Akram, H., Zafar, M., & Hossain, M. B. (2025). Assessing the Impact of IT, Trade Globalisation, and Economic Complexity on Carbon Emissions in BRICS Economies. **Economies**, 13(6), 153.
- Amna Intisar R., Yaseen M. R., Kousar R., Usman M., & Makhdum M. S. (2020). Impact of trade openness and human capital on economic growth: A comparative investigation of Asian countries. **Sustainability**, 12(7), 2930.
- Adebayo T. S., Rjoub H., Akinsola G. D., & Oladipupo S. D. (2022). The asymmetric effects of renewable energy consumption and trade openness on carbon emissions in Sweden: New evidence from quantile-on-quantile regression approach. **Environmental Science and Pollution Research**, 29(2), 1875–1886.
- Balavac M., & Pugh G. (2016). The link between trade openness, export diversification, institutions and output volatility in transition countries. **Economic Systems**, 40(2), 273–287.
- Kawadia G., & Suryawanshi A. K. (2021). Tax effort of the Indian states from 2001–2002 to 2016–2017: A stochastic frontier approach. **Millennial Asia**, 14(1), 85–101.
- Habibullah M. S., & Eng Y.-K. (2006). Does financial development cause economic growth? A panel data dynamic analysis for the Asian developing countries. **Journal of the Asia Pacific Economy**, 11(4), 377–393.
- Ramzan M., Sheng B., Shahbaz M., Song J., & Jiao Z. (2019). Impact of trade openness on GDP growth: Does TFP matter? **The Journal of International Trade & Economic Development**, 28(8), 960–995.
- Menyah K., Nazlioglu S., & Wolde-Rufael Y. (2014). Financial development, trade openness and economic growth in African countries: New insights from a panel causality approach. **Economic Modelling**, 37, 386–394.
- Wani, S. H. (2023). Gravity Model Approach: An Empirical Application with Implications for BRICS Countries. **The Indian Economic Journal**, 00194662221137267.
- Radulescu I. G., Panait M., & Voica C. (2014). BRICS countries challenge to the world economy new trends. **Procedia Economics and Finance**, 8, 605–613.
- Singh S. P., & Dube M. (2013). BRICS and the world order: A Beginner's Guide. **SSRN Electronic Journal**, 3, 1–46.
- Yu, X., Fan, J., Luo, Y., Zhu, X., Zhang, Y., & Long, X. (2023). Trade Benefits and Environmental Costs of GVCS: A Case Study of the BRICS. **American Journal of Climate Change**, 12(1), 39-57.
- Ekanayake, E. M., & Dissanayake, A. (2022). Effects of real exchange rate volatility on trade: empirical analysis of the United States exports to BRICS. **Journal of Risk and Financial Management**, 15(2), 73.

- He, F., Chang, K. C., Li, M., Li, X., & Li, F. (2020). Bootstrap ARDL test on the relationship among trade, FDI, and CO2 emissions: based on the experience of BRICS countries. **Sustainability**, 12(3), 1060.
- Li, F., Wu, Y. C., Wang, M. C., Wong, W. K., & Xing, Z. (2021). Empirical study on CO2 emissions, financial development and economic growth of the BRICS countries. **Energies**, 14(21), 7341.
- Coquidé, C., Lages, J., & Shepelyansky, D. L. (2023). Prospects of BRICS currency dominance in international trade. **arXiv preprint arXiv:2305.00585**.
- Wang, Q.; Jiang, R. Is Carbon Emission Growth Decoupled from Economic Growth in Emerging Countries? New Insights from Labor and Investment Effects. **J. Clean. Prod.** 2019, 2019, 119188
- Liu, J. L., Ma, C. Q., Ren, Y. S., & Zhao, X. W. (2020). Do real output and renewable energy consumption affect CO2 emissions? Evidence for selected BRICS countries. **Energies**, 13(4), 960.
- Chen, L., & De Lombaerde, P. (2014). Testing the relationships between globalization, regionalization and the regional hubness of the BRICs. **Journal of Policy Modeling**, 36, 111–131.
- Scerri, M., & Lastres, H. M. (Eds.). (2020). The role of the state: BRICS National Systems of Innovation. **Taylor & Francis**.
- Cassiolato, J.E.; Soares, M.C.C. (2013). **The Role of the State: BRICS National Systems of Innovation**; **Routledge**: London, UK; New York, NY, USA; New Delhi, India.
- Goldman, S. (2003). Dreaming with BRICs: The path to 2050. **Econ. Pap.** 90-99.
- Pao, H. T., & Tsai, C. M. (2010). CO2 emissions, energy consumption and economic growth in BRIC countries. **Energy policy**, 38(12), 7850-7860.
- Zhang, Z., Xi, L., Bin, S., Yuhuan, Z., Song, W., Ya, L., & Guang, S. (2019). Energy, CO2 emissions, and value added flows embodied in the international trade of the BRICS group: A comprehensive assessment. **Renewable and Sustainable Energy Reviews**, 116, 109432.
- Zhang, H. (2021). Technology innovation, economic growth and carbon emissions in the context of carbon neutrality: evidence from BRICS. **Sustainability**, 13(20), 11138.
- Khan, A. M., & Osińska, M. (2021). How to predict energy consumption in BRICS countries? **Energies**, 14(10), 2749.
- De Gaetano, D. (2018). Forecast combinations for structural breaks in volatility: Evidence from BRICS countries. **Journal of Risk and Financial Management**, 11(4), 64.